

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه اول
-آیا سیاست تبعیض آمیز در مورد مسائل جهانی، به شکلی که بسیاری از آمران عملیات تروریستی مثل هاشمی رفسنجانی و خامنه ای که در یک دادگاه در آلمان به عنوان آمران عملیات تروریستی رستوران میکونوس معرفی شدند از مصونیت و عدم تعقیب برخوردار شده اند، می تواند در مبارزه با تروریسم موفقیت به دست آورد؟
-آیا این سخن علی اکبر هاشمی رفسنجانی در جمع گروهی از نیروهای سپاه که می گوید: «نبض تاریخ دنیا بیش از شورای امنیت، در عراق و در کربلا می زند.» (روزنامه اعتماد چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۸۲) نشان دهنده این نیست که حکام ایران برای عدم آرامش و جلوگیری حل مسالمت آمیز مسائل منطقه نقشه های بسیار در سر دارند و برای همین به اشکال مختلف به پنهانکاری در مورد ساخت سلاح اتمی متوسل می شوند؟

اینها سوالهایی هست که بدون پاسخهای درست به آن نمی توان در مبارزه با تروریسم که آمران و عاملان اصلی آن بنیادگرایان اسلامی هستند پیشرفت کرد.

مردم ایران که سالها قربانیان اصلی یک رژیم بنیادگرا و تروریست بوده اند به خوبی می دانند که جنگ مداخله گزانه و مامشات با استبداد مذهبی حاکم بر ایران منجر به گسترش تروریسم و بنیادگرایی خواهد شد و تجربه یکساله اشغال نظامی عراق نیز این را ثابت کرد.

xxx

روز ۲۷ اسفند ۱۳۸۲ سید محمد خاتمی طی سخنان عوامفریبانه در صدد توجیه سیاست خود برآمد. وی با تبعیت از خمینی که وقتی جوانان کشور ما را روانه جنگ خانمانسوز می کرد گفت کاشکی منم یک پاسدار بودم، گفت: «از مردم خجالت می کشم.» در این حرف رئیس جمهور ارتجاع ترکیبی از عوامفریبی و دروغگویی وجود دارد. وقتی خاتمی برای رئیس جمهوری در نظام ولایت فقیه کاندیدا شد، می دانست که بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی اختیارات او در حد مسئولیت بخش کوچکی از دستگاه عریض و طویل ولایت فقیه است و با این حال از ابتدا بر اعتقاد و عدم تغییر قانون اساسی تاکید می کرد. او در همین سخنان رئیس جمهوری را «تدارکچی دستگاههای دیگر» اعلام می کند و در مورد لوابیح پیشنهادیش

می گوید: «بنده این لوابیح را لاقبل لایحه خودم را پس خواهم گرفت از مجلس و اعلام می کنم که با شکست روبرو شد تا آن اختیارات نیم بندی که قبلا تصویب شده است، از دست نرود.»

اگر خاتمی دروغگو و بی سر و ته در مورد حقوق زنان با صراحت و روشنی اعلام می کرد که تحت نظام متکی بر شرع، دستیابی به برابری کامل زن و مرد غیرممکن است. خاتمی به جای گفتن این واقعیتها با گفتن حرفهای کلی و وعده و وعیدهای توخالی بخشی از انرژی زنان کشور ما را با پشتیبانی از خودش که نقشی جز «تدارکچی دستگاههای دیگر» نداشت به هدر داد. آن موقع که خاتمی لایحه پذیرش با شرط و شروط کنوانسیون منع هر گونه تبعیض از زنان را به مجلس داد، ما گفتیم که در نظام ولایت فقیه که نظامی استبدادی مذهبی است، امکان به رسمیت شناختن برابری زن و مردان وجود ندارد. اکنون کسانی که پشتیبان تئوریک احکام حکومتی ولی فقیه هستند، حتی مشاهده بازی فوتبال در تلویزیون را برای زنان گناه اعلام می کند. هفته نامه امید جوان در شماره جمعه ۲۹ اسفند ۱۳۸۲ متن فتوای چند مراجع تقلید را در مخالفت با حضور زنان در استادیومها برای تماشای مسابقات فوتبال چاپ کرده است.

آیت الله فاضل لنکرانی می گوید: «بازیکنان فوتبال معمولا با شورت و پیراهن ورزشی به میدان می آیند و نگاه کردن زنان به خصوص دختران جوان به اینها موجب ریه(لذت) می شود و درست نیست. این مساله در مورد پخش بازی از

خاتمی که خود در همین فرهنگ و همین نظام زندگی و رشد کرده اگر دروغگو و عوامفریب نبود با صراحت اعلام می کرد که تحت نظام ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی امکان رفرم و اصلاح اساسی به ویژه رفرم سیاسی و پذیرش برابری زن و مرد وجود ندارد.

هفته نامه شما ارگان حزب موفتله اسلامی در سرمقاله شماره جمعه ۱۵ اسفند ۱۳۸۲ دلیل انصراف از نامزدی حبیب الله عسگر اولادی دبیر کل موفتله، اسدالله بادامچیان و یحیی آل اسحاق اعضای شورای مرکزی این حزب، در انتخابات مجلس راه برنامه ای عنوان کرده که در شورایی به نام «شورای هماهنگی» پیگیری می شده و موفتله برای جلوگیری از آسیب به این هماهنگی، خود را کنار کشیده است.

این شورا که به نوشته هفته نامه شما، همه نیروهای انقلاب اسلامی در آن حضور دارند با به راه انداختن ائتلافهای محلی، استانی و کشوری با «استراتژی چراغ خاموش» برنامه های خود را پیش می برد تا «دشمن نتواند آن را شناسایی کند.»

اگر خاتمی اعتقادی به ادعایش دارد باید این واقعیت قدرت را به روشنی بیان

زحمتکشان فرهنگی

در اعتصاب

منصور امان
اعتصاب سراسری آموزگاران از صبح شنبه، درشماری از شهرهای بزرگ کشور آغاز شده است. در تهران، اردبیل، کرمانشاه، اصفهان، تبریز، گناوه، همدان، شهرضا و ارومیه، زحمتکشان فرهنگی، در اعتراض به عدم پرداخت کامل مطالبات خود و نیز تبعیض درمیزان حقوق، از رفتن به کلاسهای درس خوداری نموده و در دفاتر مدارس گرد آمده اند.

در حالیکه بنگاههای تبلیغاتی جمهوری اسلامی، از پخش هرگونه خبری پیرامون این اعتصاب به شدت پرهیزی می کنند، محیط اجتماعی گسترده ای که حوزه کاری آموزگاران بدان پیوند خورده است، سیاست خفقان خبری دوایر امنیتی و تبلیغاتی را بی اثر می سازد. میلیونها دانش آموز و خانواده های آنان، هم اینک به بیکهائی موقوت اعتصابیون بدل شده و انتشار اخبار کارازاران آن به گستره ی جامعه را به عهده گرفته اند.

در پاسخ به شرایط دشوار معیشتی آموزگاران، مسوولان حکومت جز وعده های نیرنگ آمیز و بی سرانجام یا توصیه به تمکین، ارایه نکرده اند. هنوز بدهیهای دولت به آنان به تمامی بازپرداخت نشده است و این در صورتی ست که مقامات حکومت، متعهد به پرداخت دیون خود تا دی ماه سال جاری شده بودند. آنان همچنین با اینکه وعده داده بودند مساله برابری حقوق فرهنگیان با سایر کارمندان دولت را در بودجه سال جدید طرح و به این تبعیض آشکار خاتمه خواهند داد، حتی زحمت یک تلاش نمایشی در این زمینه را نیز بر خود هموار ننمودند.

اعتصاب هماهنگ آموزگاران، نشان از تجربه ی گرانبهای آنان در شناسایی نقطه ای است که اهرم اعتراضی آنان می بایست بدان اتکا کند. تنها صف متحد، پیوسته و دوش به دوش آنها، تاب از زمین برکنند گراسنگ بی عدالتی را دارد. زحمتکشان مدارس در شهرها و روستاهای دیگر نیز به این صف خواهند پیوست.